

بسم الله الرحمن الرحيم

مناظره با موضوع:

نعتل بودن عثمان بن عفوان از منظر عايشه

۱۳۹۵/۰۹/۱۸



مستانه

last seen recently

SEND MESSAGE



سید عباس

online

سنی

شیعه

کانال منهج البدعة الامويه

https://telegram.me/menhajol_beda

سید عباس: فراری قرار بود شماره موبایل بدی مناظره کنیم چی شد به سنت خلیفه دومت عمل کردی؟

مستانه: پس نکن سید خباز خفه شو تا گردن مادرت رو نبستم گردن سگ

سید عباس: جزات منالظره نداره

مستانه: پس نکن سید خباز خفه شو تا گردن مادرت رو نبستم گردن سگ

سید عباس: این هم ادب فرزندان عایشه خخخخخخخخخ

مستانه: تو فقط بیا بگو بقیه که رسوا شدن پارس نکنن

سید عباس: بابا نبومدم خودت رو بیچاره کردی، مثانه یه سوال دارم

مستانه: همون نیستی توی سایبری فرار کردی

سیدعباس: ابوبکر به صحابی فحش داده پیامبر گفته اون فاسقه راسته یا دروغه؟

مستانه: خفققان بگیر گردن مادرت میبندم گردن سگ خفققان بگیر گردن مادرت میبندم گردن سگ

متولی فرق میان احد و واحدت هنوز دارم میخندم

سیدعباس: جواب متقن را ببین خخخخخخخ

مستانه: فقط مستانه با سیدعباس

سیدعباس: فراری کجا رفتی جواب بده

مستانه: بیا جلو فعلا شیر می‌دان خودت باش

سیدعباس: در کتب شما آمده کسی به صحابی فحش بده ملعون هست

مستانه: رسوایی سید خباز موجوده میخوام تو رو رسوا کنم

سیدعباس: الان عایشه به عثمان گفته گفتار مذکر عایشه ملعونه یا عثمان رو باید قبول کنیم این چینه؟

مستانه: اول بگو رسوا شدم و فرار کردم رسوایت سر تجسیم هست

سیدعباس: مثانه یادت که نرفته بعد از رسوا شدن توسط من حذف اکانت زدی و قبلش هم من رو بلاک کردی که

اونجا که ابروت رفت با اون ترجمه خنده دارت

مستانه: زود باش وقت رو تلف نکن اسمم رو بردی تا رسوات نکنم و نگی پارس کردم بحثی همیشه

سیدعباس: بعد هم منجر شد به حذف اکانتت

مستانه: فرداش رفتی یه آخونده رو آوردی بدتر رسوا شدی



مستانه

last seen a long time ago

SEND MESSAGE

Settings

Notifications

Shared media

43 photos



سید عباس: این هم اسناد رسوایت و بلاک کردن ما و فرارت جواب بده

مستانه: همین جا باید سر علم رجال رسوات کنم

سید عباس: الان عایشه به عثمان گفته گفتار مذکر عایشه ملعونه یا عثمان رو باید قبول کنیم این چنینه؟

مستانه: اون که تو گفتی باعث آبروریزیت شد

سید عباس: خخخخخخ مگر مذهب شما علم رجال هم داره؟ مثانه به من بگو شرط توثیق در مذهب شما

چیه؟

دومین سوال از مثنایه و فرار تو سوال اول و دوم الان عایشه به عثمان گفته گفتار مذکر عایشه ملعون یا عثمان رو باید قبول کنیم این چنینه؟ مثنایه به من بگو شرط توثیق در مذهب شما چیه؟

مستانه: اون که اسمم رو آورده بعد تو رو هم رسوا میکنم جرات درای تا بعد از تو سید خباز رو رسوا کنم؟

سید عباس: این برادر ما چه حرف قشنگی زدن گفتن ادب اولاد ابن سبا یه بار دیگه مطل رو تایپ کن

مستانه: نعل؟

سید عباس: دوستان کسی مطلب توحید را حذف نکنه اره خخخخخخخ

مستانه: سندشو بیار

سید عباس: مگه تو رجال بلدی؟

مستانه: بیار مادر صیغه ای

سید عباس: شروط احتجاج در حدیث را بگو. چیست؟

مستانه: تحدی می کنم سندش رو تصحیح کنی

سید عباس: جواب بده تحدی رو بلدی با کدام ح می نویسن؟ خخخخخخخ

به من بگو شروط احتجاج در حدیث جیه بهت سند بدم

مستانه: سندشو بیار

سید عباس: اما رسوایی دوم اینجاست که این روایت از نظر سند نتنها صحیح هست بلکه علمای عمریه

اقرار کردن عایشه از اولین نفرین بوده که به عثمان گفته کفلتو

مستانه: سندشو بیار جواب این رو هم میگم یه پارسی کردی سر حرفت بمون

سید عباس: أول من سمی عثمان نعتلاً عائشهُ

شرح نهج البلاغه ج ۶ ص ۱۳۱

اولین کسی که عثمان را نعتل (پیرمرد یهودی خرفت) نامید عائشه بود

مستانه: دوستای گرامی اگه این آشغال سند صحیح واسه اون روایت بیاره من به داداشم میگم شیعه بشه و خوب خوب از خواهر سید عباس از صیغه مستفیض بشه

سید عباس: عایشه اولین کسی بود که به عثمان گفت گفتار خخخخخخخ

- أول من سمى عثمان نعتاً عائشة

شرح نهج البلاغه ج ۶ ص ۱۳۱

اولین کسی که عثمان را نعتل (پیرمرد یهودی خرفت) نامید عایشه بود

مستانه: شما اول سند رو تصحیح کن تا برسیم به درایه دوستای گرامی اگه این آشغال سند صحیح واسه اون روایت بیاره من به داداشم میگم شیعه بشه و خوب خوب از خواهر سید عباس از صیغه مستفیض بشه این سنده؟

سید عباس: ادبش رو بین اقرار عالم شماسه و اتقرار عالم سید ادله هست خخخخخ

مثانه امشب ابروی خودت را با بی سوادیت بردی

مستانه: خاک بر سرت این سنده؟

سید عباس: به من بگو ایا اقرار عالم دلیل اجتجاج هست یا نه؟

مستانه: سلسله راویش کجاس؟

سید عباس: اما دلیل دوم که علمای عمریه اقرار کردن عایشه ، عثمان را گفتار می داند

مستانه: سندواسه پارست بیار نعتل

سید عباس: ابن اثیر جزری می نویسد:

نعتل (ه) فی مقتل عثمان لا یمنعک مکان ابن سلام أن تسب نعتلا کان أعداء عثمان یسمونه نعتلا تشبیهها برجل من مصر کان طویل اللحیه اسمہ نعتل وقیل النعتل الشیخ الأحقق و ذکر الضباع ومنه حدیث عائشة اقتلوا نعتلا قتل الله نعتلا تعنی عثمان وهذا کان منها لما غاضبته وذهبت إلى مکة.

دشمنان عثمان به او نعثل می‌گفتند، یعنی درحقیقت او را به شخصی به همین نام که از مردم مصر و دارای ریش بلندی بود تشبیه می‌کردند، گفته شده است نعثل به معنای پیر مرد احمق است، وعائشه هم که گفت: بکشید نعثل را، همین را اراده کرده است. چون این سخن را زمانی گفت که عثمان عائشه را ناراحت کرد تا از شدت ناراحتی به مکه رفت.

الجزری، أبو السعادات المبارک بن محمد (متوفای ۶۰۶هـ)، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، ج ۵، ص ۷۹، تحقیق طاهر أحمد الزاوی - محمود محمد الطناحی، ناشر: المكتبة العلمیة - بیروت - ۱۳۹۹هـ - ۱۹۷۹م.

ععععع جدی؟ ابن تیمیه که انرا کتاب معتبری می داند خخخخخ

مستانه: این حرف رو علمای نجف در مورد خامنه ای هم زدند خخخخ

سیدعباس: این هم رسوایی دیگر حالا تحدی می کند سند این حرفت رو بده

مستانه: وای خدایا امشب شب رسوایی روافضه این حرف رو علمای نجف در مورد خامنه ای هم زدند
خخخخ

سیدعباس: منظورت از رسوایی این هست که عایشه به عثمان گفته گفتار؟

مستانه: تحدی من این بود روایت صحیح نعثل بیاری تا نیاری یک کلمه پیشرفته نمیشه

سیدعباس: روایت صحیح را تعریف کن چیه فرار نکن روایت صحیح رو تعریف کن چیه

مستانه: یه شرح از نهج البلاغه بیار که توسط علمای تراز اول اهل سنت باشه

سیدعباس: ابن تیمیه نهج رو قبول کرده لذا اعتبار ان دلیلی بر این هست علمای شما بر ان شرح زدن مانند
ابن حدید

فرار نکن جواب بده روایت صحیح رو تعریف کن باز هم فرار از آوردن سند

خخخخخخخخخخخخ

مستانه: سردسته شون هم الله یاری ههههههه

سیدعباس: الهیاری که ابروی عایشه رو برد

مستانه: سند صحیح نعتل رو بیار فرار نکن

سیدعباس: حالا جواب من رو بده فرار نکن روایت صحیح رو تعریف کن ابروت امشب رفت

مستانه: ما منتظریم

سیدعباس: روایت صحیح می خواهی؟؟

مستانه: تا سند صحیح ندی یک کلمه جلو نمیریم سند صحیح نعتل رو بیار

سیدعباس: خوب تو سند صحیح رو تعریف کن ببینم چیه

مستانه: اول بحث نعتل کردی باید سر این رسوات کنم

سیدعباس: وقت کشی می کنی بری سرچ کنی در مولوی گوگل؟ خخخخخ

دوستان دقت کنید داره وٹت کشی می کنه بره سرچ کنه خخخخخ

مستانه: هر وقت اینو دادی میریم سر بحث بعدی

سیدعباس: خوب باشه بهت ۵ دقیقه تنفس می دیم بری سرچ کنی خوبه؟

مستانه: سند صحیح نعتل رو بیار

سیدعباس: سند صحیح رو تعریف کن چیه اما دلیل دوم که علمای عمریه اقرار کردن عایشه ، عثمان را

کفتار می داند

مستانه: این پارس اول تو بود پس باید بیاری

سیدعباس: سوال می کنیم اگر سندش ضعیفه چرا علما اقرار کردن که عایشه اولین نفر بوده به عثمان گفته

کفتار؟

همه فهمیدن امشب رسوا شدی حالا جواب بده سوال می کنیم اگر سندش ضعیفه چرا علما اقرار کردن که

عایشه اولین نفر بوده به عثمان گفته کفتار؟

مستانه: تعریف کنم سند رو میاری؟

سیدعباس: خوب تا الان دو دلیل آوردیم برویم سر سومین دلیل که مستند هست

مستانه: وای چه اعترافی ضعیف هم داره نیست شما کپی نکردی متن رو؟ ادامه ادامه برو کپی پیست کن

سند صحیح میخوام، امشب تا سند صحیح نیاری نمیذارم بری

سید عباس: سند رو عالم شما تصحیح کرده من همین جا هستم تا از گفتار بودن عثمان دفاع کنی نمی زارم فرار کنی

حالا مجدد سوال می کنم

مستانه: گفته بدون توجه به صحت فقط نقل کردم. پس تحقیق به عهده خواننده هست. پس بفرما سندش رو بیار تا بررسی کنیم و کذاب رو رسوا کنیم

سید عباس: اگر روایت ضعیفه چرا عالم تو گفته صحیحه؟ عالم تو تصحیح کرده نیازی به تو نیست اگر روایت ضعیفه چرا عالم تو گفته صحیحه؟

مستانه: سند رو بیار کدوم سند رو تصحیح کرده.زود باش بیار

سید عباس: اگر روایت ضعیفه چرا عالم تو گفته صحیحه؟

مستانه: تک تک سندهای سایت ولیعصرش به باد رفت

سید عباس: جواب بده ضعیفه چرا عالم تو می گوید صحیحه؟

مستانه: سند رو بیار کدوم سند رو تصحیح کرده.

سید عباس: سایت ولی عصر هم که ابروی شما رو برد

أول من سمی عثمان نعتلاً عائشهُ

شرح نهج البلاغه ج ۶ ص ۱۳۱

اولین کسی که عثمان را نعتل (پیرمرد یهودی خرفت) نامید عائشه بود

این سند رو

مستانه: رسواش کردیم رفت امشب نماینده اش بد جور واسه آوردن یک سند صحیح زابید

شرح نهج البلاغه

سید عباس: ابروتون مثل همیشه رفت راز بقا چطوری فراری؟ جواب بده اگر ضعیفه چرا عالم شما تصحیح کرده؟

مستانه: شرح از نهج البلاغه بیار که توسط علمای تراز اول اهل سنت باشه

سند روایی؟؟؟

سید عباس: من أشدّ شيء على الناس، جاهل عاقل أو مبتدع محتال. فأما الجاهل فهو ابن قتيبه، فلم يبق و لم يذر للصحابه رسماً في كتاب «الامامة و السياسية» إن صحّ جميع مافي.

از جمله سخت‌ترین و ناگوارترین امور در جامعه، یکی اندیشمند ناآگاه و دیگری بدعت‌گزار حيله‌گر است. اما اندیشمند ناآگاه همچون ابن قتیبه است که در کتاب «الامامة و السياسة» رسم (پرده‌پوشی) را در مورد صحابه رعایت نکرده است اگر چه همه آنچه را که نقل کرده است، صحیح می‌باشد.

العواصم من القواصم، ص ۲۴۸)

پس ابن ام کلاب به او گفت: چگونه؟ قسم به خدا اولین کسی که نام عثمان را تغییر داد تو بودی!!! و تو بودی که می‌گفتی: نعثل (پیرمرد یهودی خرفت کنایه از عثمان) را بکشید که کافر شده است!!!

الدینوری، أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة (متوفای ۲۷۶هـ)، الإمامة والسياسة، ج ۱، ص ۴۸، باب خلاف عائشة رضي الله عنها على علي [عليه السلام]، تحقيق: خليل المرصور، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۸هـ - ۱۹۹۷م؛

خوب این هم سومین دلیل برای رسوایی نعثل بودن عمر بن خطاب

مستانه: به الله رسوا شدی امشب

سید عباس: اگر ضعیفه چرا گفته عایشه اولین نفر هست به عثمان گفته گفتار؟

مستانه: فوروارد نکن امشب نمیذارم فرار کنی

سید عباس: ابن حدید از تراز اولاش هست فرار نکن جواب بده

مستانه: صبر کن یک سوال بذار من بپرسم سند حدیث رو تعریف کن معلومه تو اینو بلد نیستی

سید عباس: جواب بده ابن اثیر جزری می‌نویسد:

نعثل (ه) فی مقتل عثمان لا یمنعک مکان ابن سلام أن تسب نعثلا کان أعداء عثمان یسمونه نعثلا تشبیهها برجل من مصر کان طویل اللحیة اسمه نعثل وقیل النعثل الشیخ الأحمق و ذکر الضباع ومنه حدیث عائشة اقتلوا نعثلا قتل الله نعثلا تعنی عثمان وهذا کان منها لما غاضبته وذهبت إلى مكة.

دشمنان عثمان به او نعثل می گفتند، یعنی درحقیقت او را به شخصی بب همین نام که از مردم مصر و دارای ریش بلندی بود تشبیه می کردند، گفته شده است نعثل به معنای پیر مرد احمق است، وعائشه هم که گفت: بکشید نعثل را، همین را اراده کرده است. چون این سخن را زمانی گفت که عثمان عائشه را ناراحت کرد تا از شدت ناراحتی به مکه رفت.

الجزری، أبو السعادات المبارک بن محمد (متوفای ۶۰۶هـ)، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، ج ۵، ص ۷۹، تحقیق طاهر أحمد الزاوی - محمود محمد الطناحی، ناشر: المكتبة العلمية - بیروت - ۱۳۹۹هـ - ۱۹۷۹م.

مستانه : اینو تعریف کن

سید عباس: اگر ضعیفه چرا عالم شما می گوید عایشه دضمرع عثمان و به عثمان گفته گفتار؟
من أشدّ شیئی علی الناس، جاهل عاقل أو مبتدع محتال. فأما الجاهل فهو ابن قتیبه، فلم یبق و لم یذر للصحابة رسماً فی کتاب «الامامة و السیاسیة» إن صحّ جمیع مافی.
از جمله سخت ترین و ناگوارترین امور در جامعه، یکی اندیشمند ناآگاه و دیگری بدعت گزار حیلہ گر است. اما اندیشمند ناآگاه همچون ابن قتیبه است که در کتاب «الامامه و السیاسة» رسم (پرده پوشی) را در مورد صحابه رعایت نکرده است اگر چه همه آنچه را که نقل کرده است، صحیح می باشد.

خخخخخخ

مستانه : سند صحیح رو تعریف کن

سید عباس: فرار نکن جواب بده

مستانه : میخوام نشون همه بدم رسواییت رو

سید عباس: سند صحیح رو بلد نیست تعریف کنه از من سند می خوای خخخخخخ

پس مشخصه تعریفش رو بلد نیستی

جواب بده تو بیشتر می فهمی یا این علما؟ این علما کافرین یا تو؟

مستانه: فقط بنویس سند روایی رو تعریف کن، یک جمله خودتو خلاص

سید عباس: سندش ضعیفه چرا علما تصحیح کردن؟

مستانه: بگو

سید عباس: البته تصحیحات دیگر هم هست وی ه مینقدر بسته خوب حالا ببینم نظر علمای اهل سنت در مورد عایشه چیه بابت فحشی که به عثمان دید

مستانه: سند رو بیار، کدوم سند رو تصحیح کرده. نمیذارم فرار کنی

سید عباس: شما ودقت کردید ما ۵ دلیل آوردیم که عثمان از نظر عایشه گفتاره حالا ببینیم علما عمریه کسی که به عثمان فحش بده رو چی می گن علما تصحیح کردن برو بالا رو بخوان

مستانه: نه تعریف سند روایی رو بیار، سند رو بیار ، کدوم سند رو تصحیح کرده. زود باش

سید عباس: علمای اهل سنت می گ.ویند عایشه که به عثمان فحش داده دجاله خخخخخ

و کل من شتم عثمان أو طلحة أو أحدا من أصحاب رسول الله صلى الله عليه و سلم، دجال لا یکتب عنه و علیه لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعین.

اگر کسی نسبت به عثمان یا طلحه یا یکی از أصحاب رسول الله (صلی الله علیه و سلم) ناسزا بگوید، دجال است و هیچ روایتی نباید از او نقل شود و لعنت خداوند و ملائکه و تمام مردم بر او باد.

تهذیب التهذیب لابن حجر العسقلانی، ج ۱، ص ۴۴۷

حالا دوستان منتظر هستن شما از گفتار بودن عثمان به نص عایشه و از دجال بودن عایشه به نص علماتون دفاع کنید یاالله

ابروی عایشه و عثمان را حفظ کن

مستانه: معنی سند حدیث رو بگو

سید عباس: ؟

مستانه: من امشب همین رو فقط ازت میخوام بلد نبودی اینو بگو تا بریم سر نعل

سید عباس: ببین مثانه از چند چیز فرار کردی ابروت رفت اولاً اینکه علماتون گفتن ابن تیمیه کافره و تو بهش گفتی شیخ الاسلام و علماتون گفتن کسی به او شیخ الاسلام بگه کافره، از کفر خودت و او فرار کردی نکته دوم که ثابت شد که کتاب ابن قتیبه صحیحه و تو گفتی به اجماع باطله که اجماع رو نیوردی، اینها بخشی از فرار های تو بود، حالا دوستان، دلیل ۶ رو هم می خواهم بیاورم دفت کنند دوستان اهل علم، آقای ابن اثیر جزری در مقدمه کتاب الکامل فی تاریخ مطلب جالبی دارد می گوید من هر چه در این کتابم اوردم صحیح هست

أقول إني قد جمعت في كتابي هذا ما لم يجتمع في كتاب واحد ومن تأمله علم صحة ذلك

می گویم در این کتابم هر چه که تاکنون در یک کتاب جمع نشده بوده را جمع کرده ام، و هر کس در آن بنگرد صحت این مطلب را خواهد دانست.

الکامل فی التاریخ ، اسم المؤلف: أبو الحسن علی بن أبی الکریم محمد بن محمد بن عبد الکریم الشیبانی الوفاء: ۶۳۰هـ ، دار النشر : دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۵هـ ، الطبعة : ط ۲ ، تحقیق : عبد الله القاضي - ج ۱ ص ۶

خوب پس بنا بر اقرار عالم عمری هر چه در این کتاب آورده صحیح هست، ربطش این هست که ابن اثیر در کتاب خود گفتار خواندن عثمان توسط عایشه را آورده و خودش در پاورقی می گوید هر چه آوردیم صحیح هست پس مشخص می شود این روایت از نظر سند و متن صحیحه لذا ایشون در کتابش جمع کرده

الکامل فی التاریخ ، ج ۳ ص ۱۰۰ ، اسم المؤلف: أبو الحسن علی بن أبی الکریم محمد بن محمد بن عبد الکریم الشیبانی الوفاء: ۶۳۰هـ ، دار النشر : دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۵هـ ، الطبعة : ط ۲ ، تحقیق : عبد الله القاضي

مستانه: مجلسی هم میگه حق الیقین و جلا العیون صحیح هست و توش میگه فاطمه به علی گفته ترسوی بزدل، شما قبولش داری؟ فرار نکن مجلسی هم میگه حق الیقین و جلا العیون صحیح هست و توش میگه فاطمه به علی گفته ترسوی بزدل

امشب با طفلان بحث نمیکنی با من بحث میکنی زود باش جواب بده مجلسی هم میگه حق الیقین و جلا العیون صحیح هست و توش میگه فاطمه به علی گفته ترسوی بزدل، قبول داری"؟

سید عباس: خوب دوستان فرار قشنگ مثانه رو نگاه کنید از عثمان نتونست دفاع کنه رفته سر مولا

مستانه: موضوع ذی النورین یک سند صحیح نیاوردی رسوا شدی

سید عباس: سوال اینجاست عایشه به عثمان می گه کفتار ربطش به مولا علی ع چیه؟

مستانه: من نمیذارم فوار کنی سند روایی صحیح

سید عباس: حالا شاید ایشون دوست داره ما ثبت کنیم مولا علی ع هم عثمان را نعتل خوانده خخخخخ

مستانه: مجلسی هم میگه حق الیقین و جلا العیون صحیح هست و توش میگه فاطمه به علی گفته ترسوی

بزدل اینو قبول داری یانه؟

سید عباس: عیبی نداره از عایشه که فرار کردی

مستانه: مجلسی هم میگه حق الیقین و جلا العیون صحیح هست و توش میگه فاطمه به علی گفته ترسوی

بزدل اینو قبول داری یانه؟

سید عباس : حالا بریم سر اینه مولا به عثمان فرمودن نعتل

مستانه: موضوع ام المومنین که رسوا شدی یک سند صحیح نیاوردی خودت هم اعتراف کردی روایت طبری

ضعف داره [?][?][?]

سید عباس : ابن شبه نمیری در تاریخ المدینه می نویسد: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ، قَالَ: حَدَّثَنَا يُوسُفُ بْنُ الْمَاجِشُونِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، أَنَّ أُمَّ حَبِيبَةَ زَوْجَ النَّبِيِّ (ص) وَرَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا حِينَ حُصِرَ عُثْمَانُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ حُمِلَتْ حَتَّى وَضِعَتْ بَيْنَ يَدَيَّ عَلَيَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي خِدْرِهَا وَهُوَ عَلَى الْمِنْبَرِ، فَقَالَتْ: " أَجِرْ لِي مَنْ فِي الدَّارِ ". قَالَ: نَعَمْ إِلَّا نَعْتَلًا وَشَقِيًّا، قَالَتْ: " فَوَاللَّهِ مَا حَاجَتِي إِلَّا عُثْمَانَ، وَسَعِيدُ بْنُ الْعَاصِ ". قَالَ: مَا إِلَيْهِمَا سَبِيلٌ. قَالَتْ: " مَلَكْتَ يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ فَأَسْجِحْ "، قَالَ: أَمَا وَاللَّهِ مَا أَمَرَكَ اللَّهُ وَلَا رَسُولُهُ.

ماجشون روایت کرده است که ام حبیبه همسر رسول خدا (ص) هنگامی که عثمان در محاصره بود در میان حجابش به نزد علی (علیه السلام) آمده در حالیکه ایشان بالای منبر بودند و گفت: کسانی را که در خانه (عثمان) هستند در پناه من قرار ده؛ ایشان فرمودند: غیر از نعتل (پیرمرد یهودی و کنایه از عثمان) و شقی (کنایه از سعید بن العاص). (۵) ام حبیبه گفت: مقصود اصلی من همان دو است؛ ایشان گفتند: آن دو را نمی توانی آزاد کنی، ام حبیبه گفت: پسر ابوطالبی، حال که غالب آمدی گذشت کن، امیرمؤمنان فرمود: به خدا سوگند، خدا و رسولش به تو چنین دستوری نداده اند.

یوسف بن یعقوب: از راویان بخاری، مسلم، ترمذی، نسائی و ابن ماجه، ذهبی در باره او می نویسد: یوسف بن یعقوب بن ابی سلمه الماجشون أبو سلمة المدني عن أبيه والمقبري والزهری وعنه أحمد ومسدد ثقة مات ۱۸۵ خ م ت س ق (۷) یوسف بن یعقوب، از پدرش، مقبری و زهری روایت شنیده و احمد بن حنبل از او نقل کرده و ثقه است.

یعقوب بن ابی سلمه: او نیز از راویان صحیح مسلم، ابوداود، ترمذی و ابن ماجه است، ابن حجر عسقلانی در شرح حال او می نویسد: یعقوب بن ابی سلمه الماجشون التیمی مولا هم أبو یوسف المدنی صدوق من الرابعة مات بعد العشرين م د ت ق (۸) یعقوب بن ابی سلمه، راستگو بوده است.

نکته مهم در این روایت، این است که امیرمؤمنان علیه السلام از عثمان با عنوان «نعثل» یاد کرده است. لقبی که اکثر اصحاب، عثمان را با آن یاد می کردند. نعثل یک یهودی قد بلند، ریش بلند، زشت چهره و احمق بود که هر وقت می خواستند کسی را مسخره کنند از نام او استفاده می کردند. این هم تصحیح سنن روایت ما پس عثمان توسط تدو نفر کفتار خوانده شد پاسخی هست یا باز هم فرار؟

مستانه: بگو پس قبول داری از ام المومنین سند صحیح نیست. اگر بود داده بودی

سید عباس: اون تصحیح رو در ۶ مورد ثابت کردیم که رفت کوچولو

مستانه: نپر وسط حرف که من تا امشب کفرتو ثابت نکنم نمیذارم بری وا

سید عباس: خوب نفر سوومی که با سند صحیح عثمان را کفتار خوانده کیست؟ حضرت عمار رضوان الله علیه

محمد بن سعد در تاریخش به سند * صحیح * می نویسد: قَالَ: أَخْبَرَنَا عَفَّانُ بْنُ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمٌ بْنُ إِبرَاهِيمَ وَمُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ قَالُوا: أَخْبَرَنَا رَبِيعَةُ بْنُ كَلْثُومٍ بْنِ جَبْرِ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ:

(قال ابوالغادية:) إنا كنا نعدُّ عَمَّارَ بْنَ يَاسِرٍ فِينَا حَنَانًا. فَبَيَّنَا أَنَا فِي مَسْجِدِ قُبَاءٍ إِذْ هُوَ يَقُولُ: أَلَا إِنَّ [نَعْتَلًا هَذَا لِعُثْمَانَ].

(ابوالغادية قاتل عمار و یکی از صحابه می گوید:) ما عمار بن یاسر را بنده ای صالح می دانستیم ؛ تا زمانی که روزی در مسجد قباء بودم که عمار می گفت : آگاه باشید که [نعثل که] مقصودش از نعثل عثمان بود ..

الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۱۹۷، دار الکتب العلمیة - بیروت .

مستانه: صبر کن اینو بررسی کنم

سید عباس : سند روایت تماما از ثقات عامه هستند و همگی سماع از هم دارند پس بنابراین هیچ تردیدی در صحت روایت نیست .. وهابی اگر میتوانی به سند روایت ایراد بگیر

(۱) عفان بن مسلم بن عبد الله الصفار البصرى : ثقة ثبت .

<http://library.islamweb.net/hadith/RawyDetails.php?RawyID=5653>

(۲) ربیعہ بن کلثوم بن جبر البصرى : صدوق حسن الحدیث .

<http://library.islamweb.net/hadith/RawyDetails.php?RawyID=2902>

(۳) کلثوم بن جبر البصرى (ابى) : صدوق حسن الحدیث .

<http://library.islamweb.net/hadith/RawyDetails.php?RawyID=6608>

برو کپی پیست کن، ~~XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX~~

مستانه: معلومه کی داره کپی پیست میکنه

سید عباس : کپی پیستت رو در بالا ثبت کردم می خواهی باز رسوات کنم؟

مستانه: هستم مادر صیغه ای

سید عباس : پس تا اینجا سه نفر عثمان را گفتار خواندن

مستانه: این کپی پیست نیست پس چیه؟

سید عباس : نفر چهارمی هم هست نفر چهارم رو هم بیارم که رسوا بشی؟

مستانه: سند روایی صحیح نیوردی

سید عباس : خنگول این مطلبی هست که ما در کانل خودمان زده ایم ~~XXXXXXXXXXXX~~

مستانه: کپی پیست نکن تا سراین رسوات کنم

سید عباس : ما حجت نداریم مطالب خودمانرو هم ارسال کنیم؟

مستانه: بریم سر بعدی

سید عباس : عقل نداری ؟

مستانه: نه باید دونه به دونه رسوا بشی

سید عباس : اون رو ثابت کردیم رفت

مستانه: ثابت نشده

سید عباس : حالا اگر در دفاع از گفتار بودن عثمان دلیلی داری بسم الله علماتون ثابت کردن نیازی به زحمت من نیست

علماتون همت داشتن گفتار بودن رو ثابت کردن

مستانه: زود

سید عباس : حالا سوال می کنم از مثانه ایا عالم شما خنگ بوده که روایت ضعیف را تصحیح کرده؟ جواب بده عالمت کافره یا مسلمان؟

مستانه: سند حدیث اول. در ثانی شرح نهج البلاغه از کیه؟؟؟ سند روایی

سید عباس : قبر پرست که عایشه بوده طبق کتب شما

مستانه: ؟ مادر صیغه ای اینا سند نیست

سید عباس : حدیث نیست اقرار عالم هست وایییییی این بی سواد هنوز فرق بین حدیث و اقرار عالم را نمی داند

مستانه: این هم سند نیست

سید عباس : مثانه به من بگو سند چیه و اقرار عالم چیه؟ این هم بی سواد دیگرت اصول مناظره را باید به مثانه یاد بدهیم ای بی سواد خوب بخوان

لا معنی لاحتجاجنا علیهم بروایاتنا ، فهم لا یصدّقونها ، ولا معنی لاحتجاجهم علینا بروایاتهم فنحن لا نصدّقها ، وإنّما یجب أن یحتجّ الخصوم بعضهم علی بعض بما یصدّقه الذی تقام علیه الحجّة به»

سید عباس : حالا جواب من رو بده سوال اول عالم شما که تصحیح کرده راست گفته یا دروغ؟ حال فعلا به من بگو عالم شما راست گفته یا دروغ؟ عالمتون گفته صحیحه

مستانه: سند نعل بیار زوووووووووووووووو

سید عباس : من حخرف تویه جهاد نکاحی رو قبول کنم یا حرف عالمت رو؟ خخخخ

مستانه: اعترافی که بر اساس حدیث موضوع باشه اجتهاد خطاست

سید عباس : حدیث موضوع هست چرا علما تصحیح کردن؟ و چرا اعتراف کردن؟

أول من سمی عثمان نعتلاً عائشاً

شرح نهج البلاغه ج ۶ ص ۱۳۱

اولین کسی که عثمان را نعتل (پیرمرد یهودی خرفت) نامید عائشه بود

عالم شما گفته این قول عایشه هست شما راست می گویی یا عالمت؟

مستانه: سند حدیث اول؟ در ثانی شرح نهج البلاغه از کیه؟؟؟

سید عباس : از ابن حدید عمری خخخخخخخخ جواب بده عالم شما راست گفته یا دروغ؟ مثانه تو علم رجال بلدی که می خواهی تصحیح و تشعیف کنی؟ به سند هم می رسیم

مستانه: خوب الان به من بگو اولاً کجا گفته فی الصحیح؟؟؟؟ دوما ابن ابی حدید معتزلی هست هههههه

سید عباس : چون فعلا هدفم اینه مثانه رو در مبانی علمی رسوا کنم به سند هم می رسیم

مستانه: وای!!!!!!!!!!!!!!ی خدا!!!!!!!!!!!!!! و نظر معتزله نظر معتزله هست نه نظر اهل سنت

سید عباس : در عقیده بر اعتزال هست در فقه شافعی بوده خخخخ

واشتغل بفقہ الإمام الشافعی

خوب سوال می کنیم مثانه تو روایت رو سندش رو می خواهی؟ جواب بده اره یا نه؟

مستانه: بذار فعلا سر این رسوات کنم همه ببینن

سید عباس : عالم مقر به گفته عایشه هست اگر روایت را ضعیف می دانست چرا گفته عایشه اولین نفر بوده این فحش رو داده؟

مستانه: فعلا اول شبهه

سید عباس : فعلا که رسول شدی فراری

مستانه: به تصریح شیخ الاسلام کسی که اینگونه باشه اسلامش رد هست

سید عباس : دو عالم شما اقرار کرده و خود حجیت در دلالت دارد زیرا اعتراف سید ادله هست کسی که چگونه باشد؟ الان عایشه کافره؟ خخخخخخخ

مستانه: سنددودود

سید عباس : علمای شما که گفتن کسی به ابن تیمیه بگگوید شیخ الاسلام خودش کافره من اطلاق علی ابن تیمیه شیخ الاسلام کافر خخخخخ از کفرت دفاع کن

مستانه: کسی که در عقیده شافعی و در کلام پیرو چیز دیگر باشه یا برعکس نزد اهل سنت رد هست پس ابن ابی حدید به اعتراف همه معتزلی هست

سید عباس : متأسفانه علمای شما ایشون رو مورد قبول خود می دانند در عقیده معتزل هست امری هست طبیعی مثل خیلی ها

حالا فرار نکن جواب بده

مستانه: فعلا بحث نعثله فرار نکنه مادر صیغه ای

سید عباس : ایشون شافعی مذهب بوده فرار نکن

مستانه: اهل سنت نهج البلاغه را کاغذ پاره می دانند و هیچ یک از علمای تراز اول بر نهج البلاغه شرح نزده اند چون اون رو جعلی می دونند

سید عباس : الان عالم شما کافر بوده یا راست گو بوده راستی از کفرت هم دفاع نکردی و فرار کردی ترجمه کن

بی سوادى رجالت که ثابت شد حالا کمى به بی سواتدیت در عربى بخندیم

مستانه: اسم کتابش؟ صفحه؟ جلدش؟ این چیه آوردی؟

سید عباس: سند صحیح رو علمای شما آوردن شیخ الاسلام شما را که علمای شما کافر خواندن یعنی جلد و صفحه بدم شما سواد عربیت بالا میره؟ یعنی من جلد و صفحه بگم شما متوجه می شی ترجمه اش چی می شه؟

مستانه: رفت سر شیخ زود ب یارش

سید عباس: علمای شما گفتم تو کافری بابت شیخ الاسلام گفتن به او خخخخخخ حال بماند که علمات گفت او امام الشیطان هست خخخخخخخخ رفقا تا الان بی سواد ری جالش رو ثابت کردیم الان هم بی سوادیش در عربی خواندن و ترجمه را ثابت کردیم حالا تارجمه متن رو براتون می زنم

مستانه: ترجمه اینو بکنم

سید عباس: این روایت در کتاب الامامه و السیاسه آمده

مستانه: کتاب جعلی هست من تحدی میکنم یک سند صحیح بیاری. اگر هست بیار و اگر نیست اعتراف کن که سند روایی صحیح نداره اینو بگو

سید عباس: از جمله سخت ترین و ناگوارترین امور در جامعه، یکی اندیشمند ناآگاه و دیگری بدعت گزار حيله گر است. اما اندیشمند ناآگاه همچون ابن قتیبه است که در کتاب «الامامه و السیاسة» رسم (پرده پوشی) را در مورد صحابه رعایت نکرده است اگر چه همه آنچه را که نقل کرده است، صحیح می باشد.

العواصم من القواصم، ص ۲۴۸)

این هم ترجمه

مستانه: چی داری واسه خودت پارس میکنی؟ من تحدی میکنم یک سند صحیح بیاری. اگر هست بیار و اگر نیست اعتراف کن که سند روایی صحیح نداره

سید عباس: پس بنا بر اقرار علمای شما هر چه در کتاب ابن قتیبه آمده همش صحیح هست حالا چه می خواهیم ثابت کنیم؟

ثابت کنیم این روایت در کتاب ابن قتیبه آمده و روایات ابن قتیبه هم صحیحه

مستانه: روایت نعثل رو از یک سند صحیح بیار

سید عباس : پس ابن ام کلاب به او گفت : چگونه ؟ قسم به خدا اولین کسی که نام عثمان را تغییر داد تو بودی !!! و تو بودی که می گفتی : نعثل (پیرمرد یهودی خرفت کنایه از عثمان) را بکشید که کافر شده است !!!

الدینوری، أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتیبه (متوفای ۲۷۶هـ)، الإمامة والسیاسة، ج ۱، ص ۴۸، باب خلاف عائشة رضی الله عنها علی علی [علیه السلام]، تحقیق: خلیل المنصور، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۸هـ - ۱۹۹۷م؛

مستانه: این کتاب به اجماع اهل سنت جعلی هست

سید عباس : خوب این هم سومین دلیل برای رسوایی نعثل بودن عمر بن خطاب خوب دوستان شاید براتون سوال بشه متاسفانه علماتون گفتن صحیحه حالا تحدی می کنم اجماع رو بیاورید تحدی دوم ما

مستانه: کجا گفتن صحیحه؟

سید عباس : اجماع علما برب بطلان کتاب را بیاورید رفقا از این تحدی هم فراری خواهد شد مد نظر داشته باشید

مستانه: زود باش بیار بینم علمای ما کجا گفتن صحیحه

سید عباس : رسماً فی کتاب «الامامة و السیاسیة» إن صحّ جمیع مافی.

شاید سوال بشه نعثل یعنی چی؟

مستانه: ابن قتیبه الدینوری

از علمای اهل سنت هست که شیعه به دروغ کتاب الامامة والسیاسة را منسوب به ایشان میدانند که در ادامه بطلان این ادعا ثابت می شود

۱. کسانی که ترجمه ابن قتیبه را نوشتند کتابی با این نام در میان مولفانش ذکر نکردند

۲. کتاب الامامة والسیاسة می گوید ابن قتیبه در دمشق بوده در حالی که ابن قتیبه از بغداد حتی برای رفتن به دینور خارج نشده.

۳. کتاب از ابی لیلی روایت می کند وابی لیلی در کوفه قاضی بوده در سال ۱۴۸هـ یعنی ۶۵ سال قبل از میلاد ابن قتیبه

مستانه : اسم کتاب روشه! غریب الحدیث!!!!!!

ابن قتیبه الدینوری

از علمای اهل سنت هست که شیعه به دروغ کتاب الامامه والسیاسة را منسوب به ایشان میدانند که در ادامه بطلان این ادعا ثابت می شود

۱. کسانی که ترجمه ابن قتیبه را نوشتند کتابی با این نام در میان مولفانش ذکر نکردند

۲. کتاب الامامه والسیاسة می گوید ابن قتیبه در دمشق بوده در حالی که ابن قتیبه از بغداد حتی برای رفتن به دینور خارج نشده.

۳. کتاب از ابی لیلی روایت می کند وابی لیلی در کوفه قاضی بوده در سال ۱۴۸هـ یعنی ۶۵ سال قبل از میلاد ابن قتیبه

۴. مولف کتاب روایت می کند فتح اندلس را از زبان یک زن که شاهد فتح بوده در حالی که فتح اندلس قبل از میلاد ابن قتیبه بوده به ۱۲۰ سال

۵. مولف نقل می کند فتح مراکش توسط موسی بن نصیر در سال (۴۵۵هـ) در حالی که ابن قتیبه در سال ۲۷۶هـ وفات کرده.

۶. مولف از علمای مصر بسیار نقل کرده درحالی که ابن قتیبه در عمرش در مصر نبوده.

کتاب دیگری که اثبات کردند الامامه والسیاسة از ابن قتیبه نیست (محب الدین الخطیب در مقدمه کتاب ابن قتیبه (المیسر والقداح) ص ۲۶-۲۷

۷ ثروت عکاشه در مقدمه کتاب ابن قتیبه (المعارف) ص ۵۶

سید إسماعیل الکاشف در کتابه (مصادر التاریخ الإسلامی) ص ۳۳

سید عباس : اجماع را نشان بده

مستانه: یا سند بده یا اعتراف کن سند روایی صحیح نداره

سید عباس : علمای تو اعتراف کردن عایشه به عثمان گفته گفتار خخخخخ نمی خواهی از عثمان دفاع کنی؟

غریب الحدیث یعنی چی؟

مستانه: اینو جمع کن فعلا نه صبر کن از اجماع هم فرار کردی یا سند بده یا اعتراف کن سند روایی صحیح نداره

سید عباس: غریب الحدیث یعنی چی دوستان از این هم داره فرار می کنه، غریب الحدیث یعنی چجی؟

غریب الحدیث یعنی چجی؟

مستانه: اسم کتاب روشه! غریب الحدیث!!!!!! همین ک اجماع تراجم در عدم وجود اسم این کتاب برای

ایشان هست یعنی چی؟

سید عباس: ترجمه کن یعنی چی

مستانه: احادیث عجیب

سید عباس: اجماع کجاست؟ اجماع رو بیاور خوب حالا حدیث آورده یا ترجمه لغت؟

مستانه: جواب اینو پرسیدمو پرسیدمو و پرسیدم جوابی نشنیدم

سیدعباس: نقل قول علما را آوردیم و فاتحت خوانده شد جوئاب ها رو اینجا نمی شوند خنگول بلکه باید

بخونی خهخهخهخه

مستانه: کجا آوردی؟ اون که آوردی از نهج البلاغه بود

سیدعباس: جمع کنید در گروه دیگر چون این مثانه مطالبش رو حذف می کنه که رسوا نشنه نهج رو هم

ثابت کردیم

مستانه: صبر کن دارم بررسی میکنم رعد و برق بهت مونده فعلا

سیدعباس: بده میکی موس کپی پیست کنه خهخهخهخه ، مواظب باش خودت رو برق نگیره خهخهخهخه

مستانه: نهج که آوردی واسه ما اندازه برگ نقاشی دخترمم ارزش نداره

سیدعباس: تو که ارزشی نداری بلکه ابن تیمیه قبول کرده نهج البلاغه رو خهخهخهخه، شیخ الشیطان ابن

تیمیه حرانی نه حرامی قبول کرده

مستانه: معلومه بد جور ازش خوردی ولی امشب رسوا شدی

سیدعباس: ابرویت رو علما بردن نه بدبخت داره سرچ می کنه تو نرم افزار ها و سایت ها

مستانه: بمون

سیدعباس: بدبخت اینها رو ما قبلا فاتحش رو خونديم نترس من امده ام برای رسوايت

مستانه: صبر کن رجال اون سند رو بررسی کنیم فعلا پارس نکن

سیدعباس: تا ۵ سال بهت وقت بدم خوبه؟

مستانه: بمون فعلا

سیدعباس: می دونی چچرا نمی تونه تضعیف کنه؟ چون همشون ثصقه هستن الان شامله جلويه من بازه

مستانه: یک دقیقه پارس نکن

سیدعباس: و توثیقات همه هم جلوم بازه بدبخت خودش رو بیچاره کرده دوستان بزاري من توثیقات رو

بیاورم تعدیل هایی که بر راویان این روایت وارد هست دقت بفرمایید این سند

حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ، قَالَ: حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ الْمَاجِشُونَ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي

مستانه: پارس نکن یک دقیقه که من تا امشب کفرتو ثابت نکنم نیمذارم بری

سیدعباس: این راوی اول

الاسم : موسى بن إسماعيل المنقري ، مولا هم ، أبو سلمة التبوذكي البصري (مشهور بكنيته و باسمه)

الطبقة : ۹ : من صغار أتباع التابعين

الوفاء : ۲۲۳ هـ ب البصرة

روى له : خ م د ت س ق (البخارى - مسلم - أبو داود - الترمذى - النسائى - ابن ماجه)

رتبته عند ابن حجر : ثقة ثبت

رتبته عند الذهبي : الحافظ ، ثقة ثبت

این راوی دوم

الاسم : يوسف بن يعقوب بن أبي سلمة الماجشون ، أبو سلمة المدني ، مولى آل المنكدر التميمي (و هو ابن

عم عبد العزيز بن عبد الله)

الطبقة : ٨ : من الوسطى من أتباع التابعين

الوفاء : ١٨٥ هـ ، وقيل قبل ذلك

روى له : خ م ت س ق (البخارى - مسلم - الترمذى - النسائى - ابن ماجه)

رتبته عند ابن حجر : ثقة

رتبته عند الذهبي : ثقة

این راوی سوم

الاسم : يعقوب بن أبى سلمة الماجشون القرشى التيمى مولا هم أبو يوسف المدنى ، مولى آل المنكدر (والد يوسف و عبد العزيز ابني يعقوب)

الطبقة : ٤ : طبقة تلى الوسطى من التابعين

الوفاء : بعد ١٢٠ هـ

روى له : م د ت ق (مسلم - أبو داود - الترمذى - ابن ماجه)

رتبته عند ابن حجر : صدوق

راوی چهارم هم که زن پیامبره و صحابی نیازی نیست توثیق بشه

مستانه □◀◀ محمد بن سعد در تاریخش به سند * صحیح * می نویسد: قَالَ: أَخْبَرَنَا عَفَّانُ بْنُ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ قَالُوا: أَخْبَرَنَا رَبِيعَةُ بْنُ كَلْتُومٍ بْنُ جَبْرِ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ:

(قال ابوالغادية :) إِنَّا كُنَّا نَعُدُّ عَمَّارَ بْنَ يَاسِرٍ فِينَا حَنَانًا. فَبِينَا أَنَا فِي مَسْجِدِ قُبَاءٍ إِذْ هُوَ يَقُولُ: أَلَا إِنَّ نَعْلَنَا هَذَا لِعُثْمَانَ. [٢]

(ابوالغادية قاتل عمار و یکی از صحابه می گوید :) ما عمار بن یاسر را بنده ای صالح می دانستیم ؛ تا زمانی که روزی در مسجد قباء بودم که عمار می گفت : آگاه باشید که نعلی - ومقصودش از نعل عثمان بود ..

الطبقات الكبرى، ج ٣ ، ص ١٩٧ ، دار الكتب العلمية - بيروت .

سیدعباس: روایت از نظر سند صد در صد صحیح

مستانه: فعلا بحث سر اینه

سیدعباس: پس مولا علی ع او را گفتار می داند اما بریم سر روایت حضرت عمار رض

سند روایت تماما از ثقات عامه هستند و همگی سماع از هم دارند پس بنابراین هیچ تردیدی در صحت روایت نیست .. وهابی اگر میتوانی به سند روایت ایراد بگیر

(۱) عفان بن مسلم بن عبد الله الصفار البصرى : ثقة ثبت .

<http://library.islamweb.net/hadith/RawyDetails.php?RawyID=5653>

(۲) ربیعہ بن کلثوم بن جبر البصرى : صدوق حسن الحدیث .

<http://library.islamweb.net/hadith/RawyDetails.php?RawyID=2902>

(۳) کلثوم بن جبر البصرى (ابی) : صدوق حسن الحدیث .

<http://library.islamweb.net/hadith/RawyDetails.php?RawyID=6608>

این روایت اصلا نیازی به بررسی سند نداره، چرا؟ چون مستفیضه احمق سه طریق داره

مستانه: صبر کن فعلا این دارم بررسی میکنم

سیدعباس: قَالَ: أَخْبَرَنَا عَفَّانُ بْنُ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمٌ بْنُ إِبرَاهِيمَ وَمُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ قَالُوا:

مستانه: واسه خودت پارس یک طرفه نکن

سیدعباس: این روایت رو سه نفر دارن نقل می کنند علمای شما می گویند روایتی که دو راوی داشته باشه مستفیضه

پس گفتار بودن عثمان به نص عایشه و مولا و عمار رض به سه سند صحیح نقل شده، بزار بهت آموزش رجال بده

جزائری دمشقی می نویسد: وأقل ما ثبت به الاستفاضه اثنان.

حد اقل اثبات استفاضه با دو طریق است.

الجزائری دمشقی، طاهر بن صالح بن أحمد (متوفای: ۱۳۳۸هـ)، توجیه النظر إلى أصول الأثر، ج ۱، ص ۱۱۲، تحقیق: عبد الفتاح ابوغده، ناشر: مكتبة المطبوعات الإسلامية - حلب، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۶هـ - ۱۹۹۵م

روایت که دو طریق داشت همیشه مستفیض، و روایت مستفیض اگر ضعیف هم باشه بهش اجتناج می شه
حال انکه این روایت صحیحه، خخخخ

تعدد الطرق و کثرتها یقوی بعضها بعضا حتی قد یحصل العلم بها ولو کان الناقلون فجارا فساقا فکیف إذا کانوا
علماء عدولا ولكن کثر فی حدیثهم الغلط .

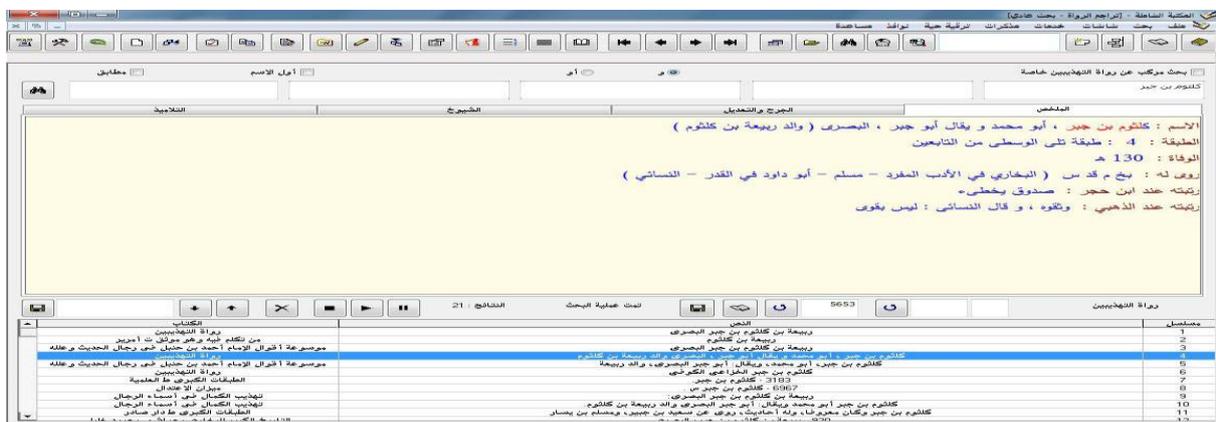
زیادی و تعدد راههای نقل حدیث برخی برخی دیگر را تقویت می کند که خود زمینه علم به آن را فراهم می
کند ؛ اگر چه راویان آن فاسق و فاجر باشند ؛ پس چگونه خواهد بود حال حدیثی که تمام راویان آن افراد
عادلی باشند که خطا و اشتباه هم در نقلشان فراوان باشد .

ابن تیمیه الحرانی ، أحمد عبد الحلیم أبو العباس (متوفای ۷۲۸ هـ) ، کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن
تیمیة ، ج ۱۸ ، ص ۲۶ ، تحقیق : عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی ، ناشر : مكتبة ابن
تیمیة ، الطبعة : الثانية .

مثانه خانوم امشب ابروی ننتها تو رفت بلکه همه عمری ها و رفتا اثبات شد

مستانه: خوب بریم سر این

سیدعباس: خلیفه سومت به نس کلام مادرت عایشه گفتاره



مستانه : کلثوم بن جبر و هم ربیعه بن کلثوم ضعیف هستند، ربیعه بن کلثوم هم ضعیفه، خدایا این رسوایی

رو واسه سید خباز بیشتر کن

سیدعباس: خوب اینجا اشکالش چیه؟ جواب بده

مستأنه : یعنی روایت دود شد رفت هوا

سیدعباس: کی گفته ضعیف هست؟ کجا گفته ضعیف هست؟ حالا دوستان نگاه کنید این بخش را

قال المزي في تهذيب الكمال :
(بخ م قد س) : كلثوم بن جبر ، أبو محمد ، و يقال : أبو جبر ، البصري ، والد ربيعة بن كلثوم . اهـ .
و قال المزي :
قال عبد الله بن أحمد بن حنبل عن أبيه ، و إسحاق بن منصور عن يحيى بن معين : ثقة .
و قال النسائي : ليس بالقوي .
و ذكره ابن حبان في كتاب " الثقات " ، و قال : مات سنة ثلاثين و مئة .

The screenshot shows a web browser window with a search engine interface. The search results are displayed in a table with columns for 'مشمول' (Included) and 'النص' (Text). The search criteria are '114 - ربيعة بن كلثوم (م س) : عن الحسن صدوق وثق وقال النسائي ليس بالقوي'. The results list various references to this text in different books and editions.

مشمول	النص
1	ربيعة بن كلثوم بن جبر البصري
2	ربيعة بن كلثوم
3	ربيعة بن كلثوم بن جبر البصري
4	ربيعة بن كلثوم بن جبر البصري:
5	920 - ربيعة بن كلثوم بن جبر، البصري.
6	ربيعة بن كلثوم بن جبر.
7	ربيعة بن كلثوم بن جبر
8	1570 - بخ م س ربيعة بن كلثوم بن جبر البصري.

سیدعباس: ابن عین و ابن حبان و ذهبی توثیقش کردن کجا گفته ضعیفه؟

مستأنه : یا الله انهم رسوا بی بعدی

سیدعباس: با این هم رسوا شدی

المكتبة الفاضلة - [تراجع الرواة - بحث عادي]

http://www.shameela.ws الإصدار: 1 من تكلم فيه وهو موثوق ت أمير

بحث مركب عن رواية التهذيبين خاصة

ربيعة بن كَثُوم بن جند

114 - ربيعة بن كَثُوم (م س) :

عن الحسن صدوق وثق وقال النسائي ليس بالقوي

من تكلم فيه وهو موثوق ت أمير

المسلسل	النص	الكتاب
1	ربيعة بن كَثُوم بن جبر البصري	رواة التهذيبين
2	ربيعة بن كَثُوم	من تكلم فيه وهو موثوق ت أمير
3	ربيعة بن كَثُوم بن جبر البصري	موسوعة أقوال الإمام أحمد بن حنبل في رجال الحديث وعلله
4	ربيعة بن كَثُوم بن جبر البصري:	تهذيب الكمال في أسماء الرجال
5	920 - ربيعة بن كَثُوم بن جبر، البصري.	التاريخ الكبير للبخاري بحواشي محمود خليل
6	ربيعة بن كَثُوم بن جبر.	تاريخ الإسلام ت بشار
7	ربيعة بن كَثُوم بن جبر.	لسان الميزان ت أبي غدة
8	1570 - يخ م س ربيعة بن كَثُوم بن جبر البصري.	إكمال تهذيب الكمال

رفقا دقت كنيد، حسن بصرى مى گوید او صدوق و ثقه هست خوب حالا تحدى مى کنم کی گفته ضعیف هست؟ این رو اخون

قال المزى فى تهذيب الكمال :

(بخ م قد س) : كلثوم بن جبر ، أبو محمد ، و يقال : أبو جبر ، البصرى ، والد ربيعة بن كلثوم . اهـ .

و قال المزى :

قال عبد الله بن أحمد بن حنبل عن أبيه ، و إسحاق بن منصور عن يحيى بن معين : ثقة .

و ذكره ابن حبان فى كتاب " الثقات " ، و قال : مات سنة ثلاثين و مئة .

گفته ثقه هست

در تصویری که شما هم اوردی ابروت رفت

عالم گفته ثقه هست

مستانه : سواد که نداری ضعیف بودن راوی رو آوردیم بیچاره

سیدعباس: ضعفش رو ما ندیدیم کجا گفته ضعیف؟ توثیق را شما چرا ندیدی عینک نداری؟

خخخخخ

مستانه: این یعنی حسن بصری بهش خبر تضعیف نرسیده پس حرفش حجت همیشه

سیدعباس: قال المزی فی تهذیب الکمال :

(بخ م قد س) : کلثوم بن جبر ، أبو محمد ، و يقال : أبو جبر ، البصری ، والد ربیعۃ بن کلثوم . اهـ .

و قال المزی : قال عبد الله بن أحمد بن حنبل عن أبيه ، و إسحاق بن منصور عن يحيى بن معين : ثقة .

و ذكره ابن حبان فی کتاب " الثقات " ، و قال : مات سنۃ ثلاثین و مئۃ .

مستانه: این یعنی حسن بصری بهش خبر تضعیف نرسیده پس حرفش حجت همیشه

سیدعباس: اتفاقا حسن از ثقات هست و توثیق کردن او موید بر وثاقت راوی هست اتفاقا دلیل توثیق حسن

یعنی اتصال و وثاقت کلثوم

مستانه: اتفاقا واسه مغز حشیشی تو

سیدعباس: و ایضا که کلثوم از روات مسلم هست و او را تضعیف کنی صحیح مسلم تبدیل به ضعیف مسلم

هست

مجدد تحدی می کنم کی گفته ضعیف/

الاسم : کلثوم بن جبر ، أبو محمد و يقال أبو جبر ، البصری (والد ربیعۃ بن کلثوم)

الطبقة : ٤ : طبقة تلى الوسطى من التابعين

الوفاء : ١٣٠ هـ

روی له : بخ م قد س (البخاری فی الأدب المفرد - مسلم - أبو داود فی القدر - النسائی)

از روایت مسلم هست و اقای مسلم قاعده دارد فقط از ط ثقات نقل روایت کنه

مستانه: در ضمن ابن حجر میگه اسشون وهم داشته و وهم جرح مفسر هست و جرح مفسر بر تعدیل مقدم

هستدر ضمن ابن حجر میگه اسشون وهم داشته و وهم جرح مفسر هست و جرح مفسر بر تعدیل مقدم

هست در ضمن ابن حجر میگه اسشون وهم داشته و وهم جرح مفسر هست و جرح مفسر بر تعدیل مقدم

هستدر ضمن ابن حجر ميگه اسشون وهم داشته و وهم جرح مفسر هست و جرح مفسر بر تعديل مقدم هست

سيدعباس: بريم درس دوم رجالي بديم

مستانه: وای امشب با این حرفات خودتو رسوا کردی

سيدعباس: وأن شرط البخاری أن يخرج ما اتصل إسناده بالثقات المتقنين الملازمين

فتح المغیث بشرح الفیة الحدیث للعراقی /أبو عبد الله محمد بن عبد الرحمن السخاوی

http://library.islamweb.net/newlibrary/display_book.php?bk_no=82&ID=&idfrom=1&idto=380&bookid=82&startno=16

این هم شرط مسلم

قال الشَّيْخُ الْإِمَامُ أَبُو عَمْرٍو بْنُ الصَّلَاحِ رَحِمَهُ اللهُ شرط مسلم رحمه الله تعالى في صحيحه أن يكون الحديث متصل الاسناد بنقل الثقة عن الثقة من أوله إلى منتهاه سالما من الشذوذ والعلّة

نام کتاب : شرح النووی علی مسلم نویسنده : النووی جلد : ۱ صفحه : ۱۵

المكتبة العامة - إترجم الرواة - بحث ثانیا

خلف بحث شاشات خدمات منكرات تزكية حية نوافذ مساعدة

بحث مركب عن رواية التهذيبين خاصة

كلمة بن حجر

الاسم : ربيعة بن كلثوم بن جبر البصري
الطبقة : 7 : من كبار أتباع التابعين
روى له : بخ م س (البخاري في الأدب المفرد - مسلم - النسائي)
رتبته عند ابن حجر : صدوق يه
رتبته عند الذهبي : ثقة

رواية التهذيبين 1917 تمت عملية البحث النتائج: 21

مستعمل	النص	الكتاب
1	ربيعة بن كلثوم بن جبر البصري	رواية التهذيبين
2	ربيعة بن كلثوم	من تكلم فيه وهو موثق ت أبو هريرة
3	ربيعة بن كلثوم بن جبر البصري	موسوعة أقوال الإمام أحمد بن حنبل في رجال الحديث وعلله
4	كلثوم بن جبر ، أبو محمد ويقال أبو جبر ، البصري والد ربيعة بن كلثوم	رواية التهذيبين
5	كلثوم بن جبر، أبو محمد، ويقال: أبو جبر البصري، والد ربيعة	موسوعة أقوال الإمام أحمد بن حنبل في رجال الحديث وعلله
6	كلثوم بن جبر الخزازي الكوفي	رواية التهذيبين
7	3183 - كلثوم بن جبر .	الطبقات الكبرى ط العلمية
	6967 - كلثوم بن جبر .	ميزان الاعتدال
	ربيعة بن كلثوم بن جبر البصري.	تهذيب الكمال في أسماء الرجال
	؛ بن جبر أبو محمد ويقال: أبو جبر البصري والد ربيعة بن كلثوم .	تهذيب الكمال في أسماء الرجال
	ز وكان معروفاً، وله أحاديث، روى عن سعيد بن جبيرة، ومسلم بن يسار .	الطبقات الكبرى ط دار صادر
	890 - ربيعة بن كلثوم بن جبر البصري .	الطبقات الكبرى ط دار صادر

مكتاتيل مسلمات

زود

مستانه :اسم هم سند این حجر ک میگه راست گو هست ولی قاطی داشته

سید عباس: پس مسلم شرط دارد کهع از ثصقات نقل کنه

این هم شد ثقه

کجا گفته یخطی بهم؟

مستانه : راوی مسلم بودن دلیل بر توثیق نیست. مسلم و بخاری شروط حدیث دارند خدایا اینم رسوایی بعدی

سید عباس: کجا گفته و هم هست اصلا و هم چیست؟ و کدام عالم گفته جرح مفسر هست؟ راوی بودن مسلم خود ادله بر حجیت است

قال الشَّيْخُ الْإِمَامُ أَبُو عَمْرٍو بْنُ الصَّلَاحِ رَحِمَهُ اللهُ شرط مسلم رحمه الله تعالى في صحيحه أن يكون الحديث متصل الاسناد بنقل الثقة عن الثقة من أوله إلى منتهاه سالما من الشذوذ والعلّة

نام کتاب : شرح النووی علی مسلم نویسنده : النووی جلد : ۱ صفحه : ۱۵

این هم اقرار عالم، حجالب اینجاست علمای عمریه گفتن وقتی راوی در روایت ضححن باشه جرح بر او وارد نیست

کجا گفته و هم هست اصلا و هم چیست؟ و کدام عالم گفته جرح مفسر هست؟ راوی بودن مسلم خود ادله بر حجیت است

قال الشَّيْخُ الْإِمَامُ أَبُو عَمْرٍو بْنُ الصَّلَاحِ رَحِمَهُ اللهُ شرط مسلم رحمه الله تعالى في صحيحه أن يكون الحديث متصل الاسناد بنقل الثقة عن الثقة من أوله إلى منتهاه سالما من الشذوذ والعلّة

نام کتاب : شرح النووی علی مسلم نویسنده : النووی جلد : ۱ صفحه : ۱۵

این هم اقرار عالم حجالب اینجاست علمای عمریه گفتن وقتی راوی در روایت ضححن لبشه جرح بر او وارد نیست

ابن دقیق العید، یکی از بزرگان تاریخ اهل سنت در علم رجال و حدیث می گوید:

وكان شيخ شيوخنا الحافظ أبو الحسن المقدسي يقول في الرجل يخرج عنه في الصحيح هذا جاز القنطرة

یعنی بذلک أنه لا يلتفت إلى ما قيل فيه وهكذا يعتقد وبه نقول....

استاد استادان ابو الحسن مقدسی در باره شخصی که روایتی از او در صحیح بخاری نقل شده می‌گفت: او از پول گذشته است. یعنی وقتی در صحیح بخاری روایتی دارد، به سخنانی که علیه آن شخص گفته شده، توجه نمی‌شود. استاد ما چنین اعتقاد داشت و نظر ما نیز این چنین است.

ابن دقیق العید، تقی الدین ابی الفتح محمد بن علی بن وهب بن مطیع قشیری منفلوطی (متوفای ۷۰۲هـ)، الاقتراح فی بیان الاصطلاح، ج ۱، ص ۵۵، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۰۶هـ - ۱۹۸۶م

این هم درس سوم رجالی

اتفاقا عالم شما می‌گوید شرط روایتش ثقه بودن هست

مستانه: خاک بر سرت که هنوز جرح و تعدیل نمیدونی

سید عباس: قال الشَّيْخُ الْإِمَامُ أَبُو عَمْرٍو بْنُ الصَّلَاحِ رَحِمَهُ اللهُ شرط مسلم رحمه الله تعالى في صحيحه أن يكون الحديث متصل الاسناد بنقل الثقة عن الثقة من أوله إلى منتهاه سالما من الشذوذ والعلّة

نام کتاب: شرح النووی علی مسلم نویسنده: النووی جلد: ۱ صفحه: ۱۵

همچنان منتظریم کدام عالم سنی گفته و هم یعنی جرح مفسر

مستانه: پس تا اینجا دو روای مشکل داره سند از ام المومنین هم که نداشت

سید عباس: جرح مفسر رو تعریف کن چیه؟

مستانه: بریم سر روایت اخرت فعلا رسوایت موند

سید عباس: ان را که عالم شما تصریح کرد هر دو ثقه هستن و جرح مفسر ندارند

مستانه: روایت آخری که آوردی

سید عباس: نه فرار نکن

مستانه: نمیذارم فرار کنی

سید عباس: حالا کدام عالم گفته ضعیف هستن؟ من اینجا امدم تا تو را رسوا کنم ان را که عالم شما تصریح کرد هر دو ثقه هستن و جرح مفسر ندارند

مستانه: راوی مسلم بودن شرط توثیق نیست

سید عباس : حالا کدام عالم گفته ضعیف هستن؟ عالم شما گفتن هست خهههههههههههه

قال الشَّيْخُ الْإِمَامُ أَبُو عَمْرٍو بْنُ الصَّلَاحِ رَحِمَهُ اللهُ شَرَطَ مُسْلِمٌ رَحِمَهُ اللهُ تَعَالَى فِي صَحِيحِهِ أَنْ يَكُونَ الْحَدِيثُ مُتَّصِلَ الْإِسْنَادِ بِنَقْلِ الثَّقَةِ عَنِ الثَّقَةِ مِنْ أَوْلِهِ إِلَى مُنْتَهَاهَا سَالِمًا مِنَ الشُّذُوزِ وَالْعَلَّةِ

نام کتاب : شرح النووی علی مسلم نویسنده : النووی جلد : ۱ صفحه : ۱۵

مثانه این رو معنا کن و فرار نکن

مستانه: ابن شبه نمیری در تاریخ المدینه می نویسد: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ، قَالَ: حَدَّثَنَا يُوسُفُ بْنُ الْمَاجِشُونِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، أَنَّ أُمَّ حَبِيبَةَ زَوْجَ النَّبِيِّ (ص) وَرَضِيَ اللهُ عَنْهَا حِينَ حُصِرَ عُثْمَانُ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ حُمِلَتْ حَتَّى وُضِعَتْ بَيْنَ يَدَيَّ عَلَى رَضِيَ اللهُ عَنْهُ فِي خَدْرِهَا وَهُوَ عَلَى الْمِنْبَرِ، فَقَالَتْ: " أَجِرْ لِي مَنْ فِي الدَّارِ ". قَالَ: نَعَمْ إِلَّا نَعْتَلًا وَشَقِيًّا، قَالَتْ: " فَوَاللَّهِ مَا حَاجَتِي إِلَّا عُثْمَانَ، وَسَعِيدُ بْنُ الْعَاصِ ". قَالَ: مَا إِلَيْهِمَا سَبِيلٌ. قَالَتْ: " مَلَكْتَ يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ فَأَسْجِحْ "، قَالَ: أَمَا وَاللَّهِ مَا أَمَرَكَ اللهُ وَلَا رَسُولُهُ.

سید عباس : نمی ذکگاریم فرار کنی

مستانه: بریم سر ضعف این

سید عباس : متصل الاسناد بنقل الثقه عن الثقه

این رو معنا کن، فرار نکن این رو معنا کن، فرار نکن فعلا قبلی رو جواب بده

مستانه: سر این بعد میرسیم سر بعدی

سید عباس : مدیران اجازه ندن از همین روایت فرار کنه، باید سر همین روایت جواب های ما رو بده

مستانه: فعلا سندهات رو باید پودر کنم

سید عباس : داره فرار می کنه فعلا از رسوایت در روایت قبل دفاع کن، نزارید مطلب جدید بزنه، باید همان اسناد قبلی رو بحث کنه

جق فرار نداره من نمی زارمن فرار کنه نباید روایت جدید بزنه

مستانه: من تا روایت هات رور سوا نکنم ولت نمیکنم

سید عباس : جرح مفسر رو تعریف کن چیه؟ ان را که عالم شما تصریح کرد هر دو ثقه هستن و جرح مفسر ندارند

حالا کدام عالم گفت ضعیف هستن؟

متصل الاسناد بنقل الثقة عن الثقة

این رو معنا کن

فرار نکن سر روایت قبلی بحث کن

مستانه: فعلا اینه، روایت قبلی که دود شد رفت هوا

سید عباس : الفرار، فعلا همان روایت قبلی رو بحث کن

سند روایت تماما از ثقات عامه هستند و همگی سماع از هم دارند پس بنابراین هیچ تردیدی در صحت

روایت نیست .. وهابی اگر میتوانی به سند روایت ایراد بگیر

(۱) عفان بن مسلم بن عبد الله الصفار البصرى : ثقة ثبت .

<http://library.islamweb.net/hadith/RawyDetails.php?RawyID=5653>

(۲) ربیعة بن کلثوم بن جبر البصرى : صدوق حسن الحدیث .

<http://library.islamweb.net/hadith/RawyDetails.php?RawyID=2902>

(۳) کلثوم بن جبر البصرى (ابی) : صدوق حسن الحدیث .

<http://library.islamweb.net/hadith/RawyDetails.php?RawyID=6608>

مستانه: بگو بقیه پارس نکنی روایت آخر رو رسوا کنم

سید عباس: همان روایت قبلی رو فعلا جواب بده فرار نکن، جرح مفسر رو تعریف کن چیه؟ ان را که عالم

شما تصریح کرد هر دو ثقة هستند و جرح مفسر ندارند حالا کدام عالم گفته ضعیف هستن؟

متصل الاسناد بنقل الثقة عن الثقة

این رو معنا کن، فعلا مطالب بالا رو جواب بده راه فرار ندارین اجازه فرار بهت نمی دم

مستانه: فرار، در ضمن ابن حجر می‌گه اسشون وهم داشته و وهم جرح مفسر هست و جرح مفسر بر تعدیل
مقدم هستدر ضمن ابن حجر می‌گه اسشون وهم داشته و وهم جرح مفسر هست و جرح مفسر بر تعدیل
مقدم هست

سید عباس: سند این جحرفت کجاست؟ جرح مفسر رو تعریف کن چیه؟ ان را که عالم شما تصریح کرد هر
دو ثقه هستن و جرح مفسر ندارند، حالا کدام عالم گفته ضعیف هستن؟

متصل الاسناد بنقل الثقة عن الثقة

این رو معنا کن

مستانه: حاشیه نوو فعلا باید سند رو بررسی کنیم، بعد این اول سند، رد این سند، اول این

سید عباس: همان روایت قبلی رو بحث کن فرار نکن

مستانه: حاشیه نوو

سید عباس: فعلا جواب روایت قبل رو بده فراری، فعلا همان سند قبلی رو بحث کن، صحبت رو ثابت کردیم
باید ردش کنی

سند قبلی رو بحجثق کن واب من رو بده

مستانه: سند قبلی رسوا شدی ضعفش رو آوردم الان نویت رد اینه

سید عباس: اسنادش رو نیاوردی، به سوالات ما هم پاسخ ندادی

مستانه: باید اینو رد کنم بریم سر بحث بعد فعلا باید روی پارست والسه سندهات رسوات کنم

سید عباس: و چطوری ضعیفه علمای تو گفته ثقه هستن، جواب علامات و ما رو بده فرار نکن

جواب بده و به سنت عمر عمل نکن

مستانه: فرار کنین به بهانه وقت

سید عباس: ام المومنین مادر کافرین می تونه باشه بعد مادر منافقین نمی تونه باشه؟ خخخخخخ

رسوایی جدید

مستانه: یک دقیقه اگه از سند آخری نمیترسی من یه حرف می‌گم بعد ایشون جواب بده

من پنج دقیقه نمیخوام، فقط یک سوال دارم

ابن شبه نمیری در تاریخ المدینه می نویسد: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ، قَالَ: حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ الْمَاجِشُونِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، أَنَّ أُمَّ حَبِيبَةَ زَوْجَ النَّبِيِّ (ص) وَرَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا حِينَ حَصَرَ عُثْمَانُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ حُمِلَتْ حَتَّى وُضِعَتْ بَيْنَ يَدَيْ عَلَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي خِدْرِهَا وَهُوَ عَلَى الْمِنْبَرِ، فَقَالَتْ: " أَجْرُ لِي مَنْ فِي الدَّارِ ". قَالَ: نَعَمْ إِلَّا نَعْتَلًا وَشَقِيًّا، قَالَتْ: " فَوَاللَّهِ مَا حَاجَتِي إِلَّا عُثْمَانُ، وَسَعِيدُ بْنُ الْعَاصِ ". قَالَ: مَا إِلَيْهِمَا سَبِيلٌ. قَالَتْ: " مَلَكْتُ يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ فَأَسْجِحْ "، قَالَ: أَمَا وَاللَّهِ مَا أَمَرَكَ اللَّهُ وَلَا رَسُولُهُ.

سماع یعقوب بن ابی سلمه رو از ام المومنین ثابت کن، همین رو میخوام

بگو وقت من مال شما اینو ثابت کن

این؟

سید عباس: ۱س تا اینجا توثیقات هر سه روایت و راویان ثابت شد، حال این بی سواد می گوید سماع این راوی از ام حبیبیه را ثابت کنیم، خوب سماع اگر ثبت نشود باید یا مدلس بودن این راوی و یا کذاب بودن این راوی ثابت شود، که این دو مقارن به صداق و راستگویی او هست، پس اگر بخواهیم عدم سماع ثابت بشه اول باید عدم صداقت یعنی کذاب بودن فرد ثابت بشه و نتیجه این می شود که راوی مذکور دروغ گو هست وقتی از ام حبیبیه شنیده چطوری به او نسبت داده جواب اول این هست این راوی راستگو هست

الاسم : یعقوب بن أبی سلمة الماجشون القرشي التيمي مولا هم أبو يوسف المدني ، مولى آل المنكدر (والد يوسف و عبد العزيز ابني يعقوب)

الطبقة : ٤ : طبقة تلى الوسطى من التابعين

الوفاء : بعد ١٢٠ هـ

روى له : م د ت ق (مسلم - أبو داود - الترمذی - ابن ماجه)

رتبته عند ابن حجر : صدوق

پس وقتی صداقت ثابت شد مدلس بودن او ساقط است زیرا صداقت در مقابل تدلیس است و وقتی صداقت ثابت شد دیگر عدم سماع هم باطله، اما دلیل دوم ما بر درک کردن، جناب یعقوب بر ام حبیبیه این هست جناب یعقوب بر ام حبیبیه این هست

الماجشون (۳۴ - ۱۲۴ ه = ۶۵۴ - ۷۴۲ م) یعقوب بن أبی سلمة (دینار، أو میمون) التیمی بالولاء، المدنی، أبو یوسف، الملقب بالماجشون: أول من علم الغناء، من أهل المروءة، بالمدينة.

زرکلی اعلام

یعقوب سال ۳۴ بدنیامده است و ایشون هم عصر ام حبیبه هست تایم تو هم شد مال ما جون جواب ندادی حال من تحدی می کنم

که شما یک سند هم ندارید ایشون فقط سند همین از زدن حاشیه و فرار هم پرهیز کند و اجازه فرار ندارد

مستانه: خوب دوستای گرامی ببینید اول ثابت نکردی و معلوم شد سند انقطاع داره دوم

۹۱۴ - یعقوب بن أبی سلمة الماجشون والد یوسف عن أبی هریره رضی الله عنه قال أبو حاتم مرسل قلت وکذلک عن بن عباس وابن عمر لم یدرکهما قاله فی التهذیب

سید عباس: دوستان گفتم فقط اجازه بدید خواسته ما رو جواب بده بقیه حق نداره چرت بزنه

مستانه: ایشون ب اعتراف علما حدیث مرسل داشته پس اگر سماعش از ام المومنین ثابت نشه حدیث میشه مرسل

سید عباس: سند این رو بده

مستانه: نپر وسط حرف چون از تابعین نیست مرسلش هم قبول نیست چون از تابعین نیست مرسلش هم قبول نیست خب ام سلمه سال ۴۲ وفات کرده]

پس ایشون فقط هشت ساله بوده خب ام سلمه سال ۴۲ وفات کرده پس ایشون فقط هشت ساله بوده و بالغ نبوده پس حدیثش رد هست و همانطور ک ابن ابی حاتم گفته مرسل زیاد داشته پس حدیثش رد هست و همانطور ک ابن ابی حاتم گفته مرسل زیاد داشته دوستای گرامی همه دیدن سند آخرش هم شکست و بر باد رفت

سید عباس: خوب، پس تا اینجا ثابت شد هیچ سندی برای عدم ارسال ذکر نشد الا اکتفا به یک سخن

انهم این

مستانه: ۹۱۴ - یعقوب بن أبی سلمة الماجشون والد یوسف عن أبی هریره رضی الله عنه قال أبو حاتم مرسل قلت وکذلک عن بن عباس وابن عمر لم یدرکهما قاله فی التهذیب

سید عباس: در این مطلب اولاً ثابت نکردید که از ام حبیبه مرسل نقل کرده ثانیاً همین مطلب هم سند نداره از کجا چنین گفتن؟

پس باز هم عدم ارسال ثابت نشد و سندی هم ندادید اما نکته دوم شما گفتید که ایشان فقط ۸ سال داشتن حال آنکه قاعده رجالی شما هست بخاری در صحیح خود - کتاب العلم - باب متی یصح سماع الصغیر چنین روایت می کند :

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الرَّبِيعِ، قَالَ: «عَقَلْتُ مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَجَّةً مَجَّهَا فِي وَجْهِهِ وَأَنَا ابْنُ خَمْسِ سِنِينَ مِنْ دَلْوٍ»

محمود بن ربیع می گوید : من از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در خاطر دارم که آب دهان - که از آب سطلی بود - بر روی من افکند و من در آن زمان ۵ سال داشتم .

الجامع الصحيح المختصر ، ج ۱ ص ۴۱ رقم ۷۷ ، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ۲۵۶ ، دار النشر : دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ ، الطبعة : الثالثة ، تحقيق : د. مصطفى ديب البغا

همچنان که مشاهده می شود ، این روایت بخاری از یک پسر بچه ۵ ساله می باشد . روایات این باب (یک روایت از ابن عباس و یک روایت از محمود بن ربیع) به ما نشان می دهد که حتی بخاری نیز روایت کردن از کودک را قبول داشته است و به این دو حدیث برای این امر استناد می کند .

نکته دوم دلیل دیگر رو کامل تر می کنیم گفتیم مسلم صاحب کتاب صحیح در مقدمه کتابش میگوید:

«أَنَّ كُلَّ رَجُلٍ ثِقَةٍ ، رَوَى عَنْ مِثْلِهِ حَدِيثًا وَجَائِزٌ ، مُمَكِّنٌ لَهُ لِقَاؤُهُ وَالسَّمَاعُ مِنْهُ ، لِكُونِهِمَا جَمِيعًا كَانَا فِي عَصْرِ وَاحِدٍ ، وَإِنْ لَمْ يَأْتِ فِي خَبَرٍ قَطُّ ، أَنَّهُمَا اجْتَمَعَا وَلَا تَشَافَهَا بِكَلَامٍ ، فَالرَّوَايَةُ ثَابِتَةٌ وَالْحُجَّةُ بِهَا لَازِمَةٌ ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ هُنَاكَ دَلَالَةٌ بَيِّنَةٌ ، أَنْ هَذَا الرَّأْوِي لَمْ يَلْقَ مَنْ رَوَى عَنْهُ ، أَوْ لَمْ يَسْمَعْ مِنْهُ شَيْئًا»

همه ی رجل ثقه ای که در یک دوره از زمان زندگی میکنند جائز و ممکن است که همدیگر را ببینند و از همدیگر روایت بشنوند مگر اینکه دلیل روشن و واضحی وجود داشته باشد که یک راوی که از راوی دیگر روایت نقل میکند او را ندیده و از او شنود نداشته است

لینک کتاب در کتابخانه اینترنتی اهل سنت:

http://library.islamweb.net/hadith/display_hbook.php?bk_no=158&pid=10582

پس بنا بر این ثابت شد روایت مسند هست و نه مرسل ثانيا مرسل تابعی هم حجت هست

والسلام علیکم